

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۰۴/۱۸
تاریخ بررسی مقاله: ۸۷/۰۶/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۰۴/۱۲

مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان ۱۳۸۸
دوره‌ی چهارم، سال شانزدهم، شماره‌ی ۲
ص: ۱۶۷-۱۸۸

بررسی رابطه‌ی عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی در دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه شهر کرمانشاه

جهانگیر کرمی *

خلیل شریفی **

کیومرث بشلیده ***

چکیده

سرسختی روان‌شناختی یک ساختار شخصیتی محافظت‌کننده در مقابل فشارهای زندگی است، که در قالب یک سازه‌ی سه مؤلفه‌ی مرکب از تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی توسط کوباسا مفهوم‌سازی شده است. نقش این ویژگی در پژوهش‌های گوناگونی تأیید شده، اما زمینه‌های شکل‌گیری و پیش‌بیندهای محیطی آن کم‌تر مورد مطالعه بوده است. این پژوهش به منظور شناسایی عملکردهای (تعاملات خانوادگی) مرتبط با سرسختی در یک نمونه‌ی ۳۲۴ نفری (۱۷۰ دختر و ۱۵۴ پسر) از دانش‌آموزان دوره‌ی سه ساله متوسطه شهر کرمانشاه انجام شده است. برای سنجش تعاملات خانوادگی، مقیاس ۷۵ پرسشی عملکرد خانواده برنارد بلوم (FFS) که پانزده بُعد از عملکرد خانواده را می‌سنجد، و برای سنجش سرسختی، مقیاس ۴۵ پرسشی سرسختی نوجوانان (AHS) که سه مؤلفه‌ی سرسختی را می‌سنجد، به کار رفته است. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی آزمون، تحلیل شدند. و شواهد لازم دال بر وجود ارتباط معنی‌دار بین عملکرد خانواده و سرسختی به دست آمده است. یافته‌ها نشان دهنده‌ی آن است که برای پیش‌بینی نمره‌های سرسختی، ضریب‌های ابعاد سبک خانوادگی آزادمنش، جامعه‌پذیری خانواده، سبک خانوادگی قانون‌مند و انعطاف‌پذیری خانواده معنی‌دار بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش اهمیت تعاملات مثبت در خانواده

drkarami_jk@yahoo.com

* استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسؤل)

** دبیر آموزش و پرورش استان کرمانشاه

kbeshlidehali@yahoo.com

*** استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

ضرورت اجتناب از تعاملات منفی را متذکر شده و ره‌گشای یاوران خانواده برای راهنمایی و اصلاح تعاملات آنها می‌باشد.

کلیدواژگان: عملکرد خانواده، سرسختی، تعهد، احساس کنترل، مبارزه‌جویی

مقدمه

سرسختی روان‌شناختی^۱ یک ساختار شخصیتی است، که توسط کوباسا^۲ (۱۹۷۹) به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده‌ی رابطه بین استرس و بیماری یا به عنوان یک سپر محافظ در برابر فشارهای زندگی معرفی شده است. او با استفاده از نظریه‌های وجودی، سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خود و جهان تعریف می‌کند که از سه مؤلفه‌ی تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی تشکیل شده و در عین حال، ساختار واحدی است که از عمل یک‌پارچه و هماهنگ این سه مؤلفه‌ی مرتبط با هم شکل می‌گیرد. تعهد، احساس عمیق درآمیختگی با جنبه‌های گوناگون زندگی مانند خانواده، شغل، روابط بین فردی و ... می‌باشد. فرد دارای تعهد ارزش، اهمیت، معنا و هدف‌مندی زندگی را دریافته است. احساس تعهد نقطه‌ی مقابل بیگانگی است (کوباسا، ۱۹۷۹؛ کوباسا، ۱۹۸۲ و کورمن، ترجمه‌ی شکرکن، ۱۳۷۰). مفهوم کنترل به این باور مربوط است که رویدادهای زندگی و پیامدهای آنها قابل پیش‌بینی و کنترل هستند. فرد دارای احساس کنترل، به تلاش و عمل خود بیش از شانس اهمیت می‌دهد و بر این باور است که با تلاش خود می‌تواند آنچه را که در اطرافش رخ می‌دهد، تحت تأثیر قرار دهد. احساس کنترل، نقطه‌ی مقابل ناتوانی است. فرد ناتوان بر این باور است که رویدادهای زندگی با تلاش‌ها و عملکردهای او رابطه‌ی ندارند (کوباسا، ۱۹۸۸ و مدی^۳، ۱۹۹۰، به نقل از قربانی، ۱۳۷۴؛ شکرکن، ۱۳۷۴). مبارزه‌جویی باوری است دال بر طبیعی و مثبت دانستن تغییرهای زندگی. فرد دارای این باور، تغییرهای مثبت یا منفی که نیازمند سازگاری مجدد هستند را فرصتی برای یادگیری و رشد بیش‌تر می‌داند، و نه تهدیدی برای امنیت و آسایش خود. چنین باوری، انعطاف‌پذیری شناختی و قدرت تحمل رویدادها و موقعیت‌های مبهم و

1- Psychological hardiness

2- Kobasa

3- Maddi

ناراحت کننده را به همراه دارد. مبارزه‌جویی نقطه‌ی مقابل تهدید یا احساس خطر است (کوباسا، ۱۹۸۲؛ شکرکن، ۱۳۷۴).

دانش روان‌شناسی برای مطالعه‌ی انسان، الزاماً باید عامل‌های پیرامونی مرتبط با وجود او را مورد توجه قرار دهد و نقش آنها را در فرآیندهای رفتاری و روانی مشخص نماید. در این زمینه توجه به خانواده به عنوان بستری مناسب برای پرورش ابعاد وجودی انسان و رفع نیازهای روانی او از اهمیتی ویژه برخوردار است (لی^۱، ۱۹۸۳، ترجمه‌ی ثنائی، ۱۳۷۰). زیرا هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای خانوادگی در فرد تأثیر حتمی دارد (علوی، ۱۳۷۴). بیش‌تر روان‌شناسان صرف‌نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل بین والدین و فرزندان را اساس تحول عاطفی تلقی می‌کنند (مهرابی‌زاده، نجاریان و بحرینی، ۱۳۷۹). اما کدام تعاملات و عملکردها در خانواده کارآمد و کدامیک ناکارآمد هستند؟

گلیک^۲ و همکاران (۱۹۸۷) معتقدند خانواده‌یی که وظایف بنیادی خود را انجام دهد (مانند رفع نیازهای نخستین، پرورش و حمایت کودکان و ...)، ساخت یافته باشد و در درون آن مرزهای سالم و انعطاف‌پذیر وجود داشته باشد، به اعضای خود فردیت ببخشد (به نحوی که قادر به مستقل شدن از خانواده باشند)، اعضای آن از مهارت‌های ارتباطی روزمره، مهارت‌های حل مسأله، مهارت‌های حل تعارض، احساس لذت، شوخ طبعی، مهربانی، ارتباط بین فردی و ... برخوردار باشد، کارآمد است. اما خانواده‌های فاقد ساختار و انعطاف‌پذیری لازم (آشفته و غیرمنعطف)، دارای مرزهای گسسته یا به هم تنیده، دارای ائتلاف‌های مشکل‌ساز و ارتباط‌های پوشیده و غیرمستقیم، خانواده‌های ناکارآمد هستند (فورتن^۳، ۲۰۰۱؛ کارلسون، اسپری و لويس^۴، ۱۹۹۷؛ گلدنبرگ و گلدنبرگ^۵، ۱۹۹۸؛ السون، اسپرنکل و روسل^۶، ۱۹۷۹).

علی‌رغم آنکه در خصوص چگونگی شکل‌گیری و رشد این ویژگی شخصیتی صاحب‌نظران فرض‌ها و تصوراتی صورت‌بندی نموده‌اند، اما این مفروضه‌ها چندان مورد

1- Lee

2- Glic

3- Forthun

4- Carlson, Sperry, & Lewis

5- Goldenberg, & Godenberg

6- olson, Sprenkle, & Russell

پژوهش قرار نگرفته و شناسایی پیشایندهای محیطی و خانوادگی آن کم‌تر مورد توجه بوده است.

کوباسا، مدی و پوستی^۱ (۱۹۸۲) بیان داشتند که احتمالاً تجارب دوران کودکی و تعامل با والدین و اطرافیان می‌تواند منجر به یک شخصیت سرسخت شود. آنها در این زمینه بر جنبه‌های مثبت روابط تأکید دارند. مدی و کوسابا^۲ (۱۹۹۴) نیز به طور نظری سرسختی را پدیده‌یی می‌دانند که شکل‌گیری آن را تحت تأثیر تجارب غنی، متنوع و پاداش دهنده‌ی دوران کودکی، تلقی می‌کنند. استیوارت، رید و منگام^۳ (۱۹۹۷) توصیه می‌کنند که برای شکل‌گیری سرسختی و احساس کنترل در کودکان، محیط زندگی آنها (از جمله خانواده) باید با ساختار و قابل پیش‌بینی باشد، به گونه‌یی که تلاش آنها به موفقیت منجر شود و نیز حق انتخاب داشته باشند. بینگهام و استریکر^۴ (۱۹۹۵) بر این باورند که عامل‌های تأثیرگذار بر سرسختی دختران بیش‌تر از درون خانواده سرچشمه می‌گیرد. در حالی که برای فرزندان پسر، این عامل‌ها ممکن است عامل‌های اجتماعی و یا آموزشی را نیز در بر داشته باشد.

امریکنر، منکس، ولف و توماس^۵ (۱۹۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه‌ی بین تعاملات خانواده و سلامت روانی نشان دادند که افراد سرسخت نسبت به گروه غیرسرسخت، خانواده‌ی خود را دارای انسجام یا پیوستگی بیش‌تری می‌دانند. همچنین، از وضعیت خانواده‌ی خود رضایت بیش‌تری داشته و ارتباط بین اعضای خانواده را با پدر و مادر بهتر دیده بودند. در پژوهش آنها، افراد سرسخت عملکرد خانواده‌ی خود را در زمینه‌ی سازمان‌دهی، گرایش‌های فکری - فرهنگی، مذهبی - اخلاقی و تفریحی بالاتر ادراک کرده بودند. آنها بیان کردند خانواده‌هایی که بر فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی، اخلاقی و فکری - فرهنگی تمایل و تأکید بیش‌تر دارند، سرسختی اعضای آنها لزوماً بالاتر است، زیرا سرسختی با علاقه‌ی اجتماعی ارتباط دارد.

-
- 1- Puccetti
 - 2- koshaba
 - 3- Stewart, Reid, & Mangham
 - 4- Bingham & Stryker
 - 5- Amerikaner, Monks, Wolfe, & Thomas

پژوهش‌های بروکس (۱۹۹۴)، ورنر^۱ (۱۹۹۷) و رایست و ماستن^۲ (۱۹۹۷) اهمیت ویژگی‌های مثبت خانوادگی همانند همبستگی، حمایت عاطفی اعضاء از همدیگر و با ساختار بودن را در مقاوم ساختن افراد برای مقابله با فشارهای زندگی نشان داده‌اند.

شریفی و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی به منظور بررسی رابطه‌ی بین عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی دریافتند که رابطه‌ی میان برخی از ابعاد عملکرد خانواده با سرسختی و مؤلفه‌های تعهد و کنترل، مثبت و معنی‌دار می‌باشند. این ابعاد شامل همبستگی (پیوستگی)، ابراز وجود، تقید مذهبی، سازمان‌دهی، جامعه‌پذیری خانواده، آرمانی دانستن خانواده (رضایت از وضع موجود) و سبک خانواده آزادمنش می‌باشند، اما ابعادی همانند سبک خانوادگی مستبد، به هم تنیدگی و گرایش‌های فکری- فرهنگی، رابطه معنی‌داری با متغیرهای مذکور نشان ندادند. همچنین، رابطه‌ی مؤلفه‌ی سوم سرسختی، یعنی مبارزه‌جویی، با ابعاد عملکرد خانواده بسیار ضعیف و اغلب غیرمعنی‌دار گزارش شده است.

بنابراین، هر چند در مورد متغیرهای عملکرد خانواده و سرسختی روان‌شناختی به صورت مجزا پژوهش‌هایی انجام شده، اما رابطه‌ی بین این دو متغیر کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی عملکرد خانواده و ابعاد آن با سرسختی روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن پرداخته است.

روش

در این پژوهش از روش همبستگی استفاده شده است. این روش به عنوان یک شاخص توصیفی به بررسی رابطه‌ی بین متغیرها می‌پردازد. عملکرد خانواده و ابعاد آن به عنوان متغیر پیش‌بین و سرسختی روان‌شناختی به عنوان متغیر ملاک منظور شده‌اند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری آزمون شده‌اند.

جامعه‌ی آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری در بردارنده‌ی کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی سه ساله متوسطه،

1- Werner

2- Wright & Masten

در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ در دبیرستان‌های شهر کرمانشاه بوده‌اند. این جامعه‌ی پژوهشی در بردارنده‌ی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شبانه، مراکز پیش‌دانشگاهی و هنرستان‌های فنی و حرفه‌یی نیست.

در پژوهش حاضر، ۳۴۰ نفر دانش‌آموز شامل ۱۷۰ دختر و ۱۵۴ پسر با میانگین سنی چهارده سال و نه ماه به روش نمونه‌برداری تصادفی چندمرحله‌یی انتخاب و گروه نمونه را تشکیل داده‌اند. در مرحله‌ی نخست، از بین مدارس متوسطه‌ی هر ناحیه، تعداد دو دبیرستان به صورت تصادفی (یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه) انتخاب شد. در مرحله‌ی دوم، از بین کلیه‌ی کلاس‌های هر دبیرستان، تعداد چهار کلاس به طور تصادفی انتخاب و از بین دانش‌آموزان این کلاس‌ها افراد نمونه‌ی پژوهش به صورت تصادفی برگزیده شدند. بعد از مشخص شدن افراد گروه نمونه در هر دبیرستان، ابزارهای پژوهش در همان محل و به صورت گروهی در یک جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌یی، اجرا شد.

ابزارهای پژوهش

جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز، از دو مقیاس زیر استفاده شده است:

۱- مقیاس عملکرد خانواده^۱ (FFS)، ۲- مقیاس سرسختی نوجوانان^۲ (AHS).

مقیاس عملکرد خانواده (FFS)

این مقیاس که توسط بلوم^۳ (۱۹۸۵) برای ارزیابی عملکرد خانواده تهیه شده است، دربردارنده‌ی هفتاد و پنج گویه مربوط به ویژگی‌های خانواده می‌باشد، که برای هر عبارت چهار گزینه منظور شده و آزمودنی باید یکی از گزینه‌ها را انتخاب نماید. کمینه و بیشینه‌ی نمره برای هر پرسش، یک و چهار برآورد شده است. بنابراین، هر آزمودنی دارای یک نمره‌ی کل بین هفتاد و پنج تا سیصد بوده و هر یک از پانزده بُعد آن نیز نمره‌یی در دامنه‌ی پنج تا بیست دریافت می‌نمایند.

-
- 1- Family Functioning Scale
 - 2- Adolescence Hardiness Scale
 - 3- Bloom

اعتبار و پایایی مقیاس عملکرد خانواده

اعتبار محتوایی آزمون عملکرد خانواده با نظر گروهی از صاحب‌نظران و مشاوران خانواده مورد تأیید قرار گرفته است (اسلامی، ۱۳۸۰).

در بررسی پایایی آزمون، نجمی (۱۳۷۵) با روش دو نیمه کردن ضرایب ۰/۸۰، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ را به ترتیب برای همبستگی بین دو نیمه‌ی آزمون، آلفای کرونباخ نیمه‌ی نخست، نیمه‌ی دوم و کل مقیاس و اسلامی (۱۳۸۰) برای کل مقیاس، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ را به دست آورده است. در پژوهش شریفی (۱۳۸۲) ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در گروه‌های پسران، دختران و کل نمونه به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ و در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ کل مقیاس در گروه نمونه ۰/۸۷ به دست آمده است.

مقیاس سرسختی نوجوانان (AHS)

این مقیاس با استفاده از مقیاس PVS^۱ نخستین بار توسط قربانی (۱۳۷۳) به فارسی ترجمه و مورد استفاده قرار گرفته شده بود، توسط شریفی (۱۳۸۲) و به راهنمایی عریضی برای جامعه‌ی دانش‌آموزان مناسب سازی شد. علت تدوین AHS آن بود که مقیاس PVS برای سنجش سرسختی بزرگسالان شاغل ساخته شده و در مورد نوجوانان دانش‌آموز قابل اجرا نبود. لذا با استفاده از مقیاس مذکور و ایجاد تغییر صوری در تعدادی از ماده‌ها و حذف پنج ماده‌ی آن، در نهایت مقیاسی با چهل و پنج پرسش تدوین شد. این تغییر و حذف ماده‌ها برای انطباق مقیاس با موقعیت دانش‌آموزان صورت گرفت. در فرآیند تدوین این مقیاس، محتوا و جهت پرسش‌ها دقیقاً مانند مقیاس پیمایش دیدگاه‌های شخصی (PVS) بوده و از این نظر هیچ تغییری صورت نگرفته است (شریفی، ۱۳۸۲).

این مقیاس دارای سه خرده مقیاس تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی می‌باشد و هر یک پانزده ماده از کل مقیاس را به خود اختصاص داده‌اند. برای هر یک از خرده مقیاس‌ها، نمره‌ی جداگانه‌ی برآورد شده و جمع نمره‌های این سه خرده مقیاس به عنوان نمره‌ی کل سرسختی فرد محسوب می‌شود.

اعتبار و پایایی مقیاس سرسختی نوجوانان (AHS)

برای تعیین اعتبار صوری، محتوایی و ملاکی مقیاس سرسختی نوجوانان (AHS)، پس از اصلاح و انطباق مواد آزمون PVS با موقعیت دانش‌آموزان، نسخه‌هایی از آن در اختیار پنج نفر از استادان گروه‌های روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه اصفهان قرار گرفت که ضمن اظهارنظر اصلاحی در خصوص مواد مقیاس، اعتبار صوری و محتوایی آن را تأیید نمودند (شریفی، ۱۳۸۲).

همچنین تدوین این مقیاس بر مبنای مقیاس PVS، دلیل دیگری بر اعتبار محتوای آزمون می‌باشد. شریفی (۱۳۸۲) برای تعیین اعتبار ملاکی مقیاس، آن را با یک پرسشنامه‌ی هشت ماده‌یی که بر مبنای تعاریف سرسختی و هر یک از مؤلفه‌های آن تنظیم گردیده بود، به طور همزمان در یک جمعیت ۱۰۸ نفری (۵۱ پسر و ۵۷ دختر) از دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه اجرا نمود. ضرایب همبستگی به دست آمده بین دو مقیاس، بیانگر اعتبار مقیاس سرسختی نوجوانان برای سنجش سازه سرسختی و مؤلفه‌های آن می‌باشد. به علاوه، ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس که در پژوهش شریفی (۱۳۸۲) ۰/۷۰ و در پژوهش حاضر نیز در کل مقیاس و هر یک از مؤلفه‌های تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی در جمعیت نمونه، به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۳، ۰/۶۷ و ۰/۳۵ به دست آمده، بیانگر پایایی مقیاس سرسختی نوجوانان می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی بین نمره‌ی کل سرسختی با نمره‌ی هر یک از مؤلفه‌های تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی در پژوهش شریفی و همکاران (۱۳۸۴) به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۷ و ۰/۵۷ و در پژوهش حاضر نیز ۰/۸۶، ۰/۸۶ و ۰/۴۵ بوده است که همگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار و بیانگر همبستگی درونی آزمون هستند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی و سپس یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌گردد. اطلاعات مربوط به یافته‌های توصیفی در جدول ۱ ارائه شده‌اند. این جدول اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف معیار متغیرهای پیش‌بین و ملاک را نشان می‌دهد. این یافته‌ها بیانگر آن است که در مقیاس‌های عملکرد خانواده و سرسختی هر دو

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و خطای استاندارد میانگین نمره‌های آمودنی‌ها در مقیاس‌های عملکرد خانواده و سرسختی

سرسختی (نمره‌ی کل)			عملکرد خانواده (نمره‌ی کل)			شاخص‌ها
خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۹۶	۱۲/۱۲	۱۲۵/۶۳	۱/۶۵	۲۰/۹۲	۲۱۸/۷۸	گروه پسران (۱۶۰ نفر)
۱/۰۵	۱۴/۱۷	۱۲۹/۸۱	۱/۷۴	۲۳/۴۱	۲۲۲/۹۵	گروه دختران (۱۸۰ نفر)
۰/۷۳	۱۳/۳۹	۱۲۷/۸۴	۱/۲۱	۲۲/۳۴	۲۲۰/۹۹	کل نمونه (۳۴۰ نفر)

میانگین گروه پسران از گروه دختران کم‌تر است، اما دامنه‌ی تفاوت‌های فردی در گروه دختران از گروه پسران گسترده‌تر می‌باشد. در جدول ۲ ضریب‌های همبستگی ساده میان ابعاد سرسختی روان‌شناختی و نمره‌ی کل ابعاد عملکرد خانواده ارائه شده است.

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین نمره‌ی کل عملکرد خانواده با

جدول ۲. ضریب‌های همبستگی بین نمره‌ی کل عملکرد خانواده با سرسختی و مؤلفه‌های آن در کل نمونه و به تفکیک گروه‌های پسران و دختران

نمونه	شاخص‌ها	مبارزه‌جویی	کنترل	تعهد	سرسختی (نمره‌ی کل)	عملکرد خانواده (نمره‌ی کل)
کل نمونه (۳۲۴ نفر)	R	۰/۰۲۸	۰/۶۲۱	۰/۶۶۰	۰/۶۴۱	
	P	۰/۳۱۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	
پسران (۱۵۴ نفر)	R	-۰/۰۳۵	۰/۵۵۴	۰/۵۶۴	۰/۵۷۲	
	P	۰/۳۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	
دختران (۱۷۰ نفر)	R	۰/۰۴۶	۰/۶۷۱	۰/۷۲۱	۰/۶۸۰	
	P	۰/۲۷۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	

سرسختی، تعهد و کنترل در گروه‌های پسران، دختران و کل نمونه، مثبت و در سطح $p=0/0001$ معنی‌دار بوده، اما این ضریب‌ها با مؤلفه‌ی مبارزه‌جویی معنی‌دار نمی‌باشد. شایان ذکر است که به منظور محاسبه‌ی نمره‌ی کل ابعاد عملکرد خانواده، نمره‌ی پنج بُعد از این متغیر که با سرسختی روان‌شناختی همبستگی منفی داشت به نحوی نمره‌گذاری شد تا با دیگر ابعاد عملکرد خانواده هم جهت شوند. پنج بُعدی که با سرسختی رابطه‌ی منفی دارند، شامل تعارض، منبع کنترل بیرونی، گسستگی میان اعضاء، تربیت استبدادی و ولنگاری می‌باشند.

در جدول‌های شماره‌ی ۳ الی ۵ نتیجه‌های تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک به روش گام به گام برای کل نمونه، دانش‌آموزان پسر و دختر درج شده است. لازم به توضیح است که برای محاسبه‌ی وزن تمام متغیرهای پیش‌بین در برآورد واریانس متغیر ملاک از رگرسیون ورود همزمان استفاده شد اما به دلیل رعایت اختصار اطلاعات خروجی این تحلیل ارائه نمی‌شود.

نتیجه‌هایی که از طریق روش ورود تک مرحله‌ی حاصل شده است، نشان می‌دهند که ترکیبی خطی از ۱۵ مؤلفه‌ی عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی همبستگی چندگانه ($MR=0/670, P<0/0001$) دارد و این ترکیب خطی $44/9$ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کند. بدیهی است که بالا بودن واریانس تبیینی متغیر ملاک حکایت از اهمیت بارز کنش‌های خانواده در شکل‌گیری سازه‌ی سرسختی در افراد دارد. نتیجه نشان می‌دهد که بیش‌ترین سهم انحصاری در پیش‌بینی سرسختی مربوط به سبک استبدادی و ابراز وجود ($\beta=0/18, \beta=0/132$) و کم‌ترین سهم انحصاری به تقید مذهبی و تعارض ($\beta=-0/006$)، $\beta=0/062$ تعلق دارد.

جدول ۳ نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون با روش گام به گام مربوط به رابطه‌ی کلیه‌ی متغیرهای پیش‌بین با سرسختی روان‌شناختی را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهند، ۸ متغیر از ۱۵ مؤلفه‌ی عملکرد خانواده شامل سبک استبدادی، آرمان‌گرایی، سازمان‌دهی، گسیختگی، ابراز وجود، گرایش‌های تفریحی فعال، بهم تنیدگی و آزادمنشی، وزن معنی‌داری در پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی بر عهده دارند. بنابراین، مابقی متغیرها وزن قابل ملاحظه‌ی بر واریانس تبیین شده اضافه نمی‌کنند. سطر

جدول ۳. رگرسیون چندگانه ارتباط بین ابعاد عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی در کل نمونه (به روش گام به گام)

	ضرایب رگرسیون (β)								F P	RS	MR	متغیرهای پیش‌بین
	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱				
β t P									-۰/۵۰۱ ۱۰/۷۷۲ ۰/۰۰۰۱	۰/۲۵۱	۰/۵۰۱	تربیت استبدادی
β t P							۰/۳۱۵ ۶/۱۳ ۰/۰۰۰۱	-۰/۳۵۶ ۶/۹۳ ۰/۰۰۰۱	۷۸/۷۲ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۲۹	۰/۵۷۴	آرمان گرایی
β t P						۰/۲۱۹ ۴/۳۷ ۰/۰۰۰۱	۰/۲۴۳ ۴/۶۰ ۰/۰۰۰۱	-۰/۳۱۴ ۶/۱۵ ۰/۰۰۰۱	۶۱/۸۷ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۶۷	۰/۶۰۶	سازمان دهی
β t P					-۰/۱۵۱ ۳/۰۸ ۰/۰۰۲	۰/۱۹۶ ۳/۹۲ ۰/۰۰۰۱	۰/۲۲۷ ۴/۳۵ ۰/۰۰۰۱	-۰/۲۶۸ ۵/۱۱ ۰/۰۰۰۱	۵۰/۰۲۳ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۸۵	۰/۶۲۱	گسیختگی
β t P				۰/۱۴۵ ۲/۹۱ ۰/۰۰۴	-۰/۱۵۳ ۳/۱۶ ۰/۰۰۲	۰/۱۷۴ ۳/۴۹ ۰/۰۰۱	۰/۱۹۲ ۳/۶۲ ۰/۰۰۰۱	-۰/۲۳۳ ۴/۳۷ ۰/۰۰۰۱	۴۲/۶۵ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۰۱	۰/۶۳۴	ابراز وجود
β t P			۰/۱۱۷ ۲/۴۱ ۰/۰۱۶	۰/۱۲۸ ۲/۵۵ ۰/۰۱۱	-۰/۱۶۵ ۳/۴۰ ۰/۰۰۱	۰/۱۶۴ ۳/۳۰ ۰/۰۰۱	۰/۱۶۱ ۲/۹۶ ۰/۰۰۳	-۰/۲۱۷ ۴/۰۸ ۰/۰۰۰۱	۳۷/۰۶ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۱۲	۰/۶۴۲	گرایشهای تفریحی
β t P		۰/۰۹۵ ۲/۱۲ ۰/۰۳۴	۰/۱۱۰ ۲/۲۷ ۰/۰۲۴	۰/۱۲۹ ۲/۶۱ ۰/۰۰۱	-۰/۱۵۶ ۳/۲۴ ۰/۰۰۱	۰/۱۶۵ ۳/۳۳ ۰/۰۰۱	۰/۱۹۱ ۳/۴۲ ۰/۰۰۱	-۰/۲۱۲ ۴/۰۰ ۰/۰۰۰۱	۳۲/۷۶ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۲۱	۰/۶۴۹	بهم‌تنیدگی
β t P	۰/۰۹۶ ۲/۱۸ ۰/۰۳۰	۰/۰۹۷ ۲/۱۹ ۰/۰۲۹	۰/۱۱۴ ۲/۳۷ ۰/۰۱۸	۰/۱۳۱ ۲/۶۵ ۰/۰۰۸	-۰/۱۴۴ ۲/۹۸ ۰/۰۰۳	۰/۱۵۱ ۳/۰۵ ۰/۰۰۲	۰/۱۹۳ ۳/۴۷ ۰/۰۰۱	-۰/۲۰ ۳/۸۳ ۰/۰۰۰۱	۲۹/۶۰ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۲۹	۰/۶۵۵	آزادمنشی

آخر جدول نشان می‌دهد که از بین ۸ متغیر دخیل در پیش‌بینی سرسختی، وزن اختصاصی سبک استبدادی در تبیین متغیر ملاک بیش‌تر از متغیرهای دیگر است. لازم به توضیح است که مقادیر (β) اوزان اختصاصی یا وزن انحصاری هر متغیر را در تبیین متغیر ملاک نشان می‌دهند. نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون با روش ورود همزمان مربوط به رابطه‌ی کلیه‌ی متغیرهای پیش‌بین با سرسختی روان‌شناختی را برای دانش‌آموزان پسر نشان می‌دهد، که ۱۵ مؤلفه‌ی عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی همبستگی چندگانه ($MR=۰/۶۰۵, P<۰/۰۰۰۱$)

دارد و این ترکیب خطی، ۳۶/۶ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کند. بیش‌ترین سهم انحصاری در پیش‌بینی سرسختی مربوط به ابراز وجود و آزادمنشی ($\beta=0/۲۲۷$, $\beta=0/۱۲۹$) و کم‌ترین سهم انحصاری به ولنگاری و گرایش تفریحی ($\beta=-0/۰۰۱$, $\beta=0/۰۴۴$) تعلق دارد. جدول ۴ نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون با روش گام به گام مربوط به رابطه‌ی کلیه‌ی متغیرهای پیش‌بین با سرسختی روان‌شناختی را برای دانش‌آموزان پسر نشان می‌دهد.

جدول ۴. رگرسیون چندگانه ارتباط بین ابعاد عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی در نمونه‌ی پسر (به روش گام به گام)

	ضرایب رگرسیون					F P	RS	MR	شاخص آماری پیش‌بین‌ها
	۵	۴	۳	۲	۱				
β t P					۰/۴۰۶ ۵/۴۸ ۰/۰۰۰۱	۳۰/۰۸ ۰/۰۰۰۱	۰/۱۶۵	۰/۴۰۶	جامعه- پذیری
β t P				۰/۳۱۸ ۴/۴۲ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۳۱ ۴/۶۰ ۰/۰۰۰۱	۲۶/۶۵ ۰/۰۰۰۱	۰/۲۶۱	۰/۵۱۱	ابراز وجود
β t P			-۰/۲۱۱ ۲/۷۵ ۰/۰۰۷	۰/۲۶۸ ۳/۶۸ ۰/۰۰۰۱	-۰/۲۶۳ ۳/۵۲ ۰/۰۰۰۱	۲۱/۰۷ ۰/۰۰۰۱	۰/۲۹۷	۰/۵۴۵	استبدادی
β t P		۰/۱۵۲ ۲/۱۳ ۰/۰۳۴	-۰/۱۷۹ ۲/۳۲ ۰/۰۲۲	۰/۲۵۹ ۳/۵۹ ۰/۰۰۰۱	۰/۲۴۱ ۳/۲۳ ۰/۰۰۱	۱۷/۳۲ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۱۷	۰/۵۶۳	آزادمنشی
β t P	۰/۱۶۱ ۱/۹۹ ۰/۰۴۸	۰/۱۵۱ ۲/۱۴ ۰/۰۳۴	-۰/۱۴۴ ۱/۸۴ ۰/۰۶۷	۰/۲۵۴ ۳/۵۶ ۰/۰۰۰۱	۰/۱۷۳ ۲/۱۲ ۰/۰۳۵	۱۴/۹۲ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۳۵	۰/۵۷۹	آرمان- گرای

همان‌گونه که مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهند، ۵ متغیر از ۱۵ مؤلفه‌ی عملکرد خانواده وزن معنی‌داری در پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی در نمونه‌ی پسر بر عهده دارند. بنابراین، مابقی متغیرها وزن معنی‌داری در تبیین واریانس متغیر ملاک ندارند. سطر آخر جدول نشان

می‌دهد که از بین ۵ متغیر دخیل در پیش‌بینی سرسختی، وزن اختصاصی ابراز وجود یا همان خود بیانگری در تبیین متغیر ملاک بیش‌تر از متغیرهای دیگر است.

نتیجه‌هایی که از طریق رگرسیون ورود همزمان برای دختران حاصل شده است، نشان می‌دهد که ۱۵ مؤلفه‌ی عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی همبستگی چندگانه ($MR=0/727, P<0/001$) دارد و این ترکیب خطی $0/8$ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کند. در جدول ۵ نتیجه‌ی حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام برای دانش‌آموزان دختر ارائه می‌شود.

جدول ۵. رگرسیون چندگانه ارتباط بین ابعاد عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی در نمونه دختر (به روش گام به گام)

	ضرایب رگرسیون					F P	RS	MR	شاخص آماری پیش‌بین‌ها
	۵	۴	۳	۲	۱				
β t p					-۰/۵۶۹ ۸/۹۶ ۰/۰۰۰۱	۸۰/۳۹ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۲۴	۰/۵۶۹	استبدادی
β t p				۰/۳۴۸ ۵/۰۶ ۰/۰۰۰۱	-۰/۳۹۱ ۵/۶۸ ۰/۰۰۰۱	۵۸/۸۸ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۱۴	۰/۶۴۳	آرمان-گرایی
β t p			-۰/۲۲۱ ۳/۲۱ ۰/۰۰۲	۰/۲۶۳ ۳/۶۴ ۰/۰۰۰۱	-۰/۳۴۱ ۴/۹۶ ۰/۰۰۰۱	۴۴/۹۰ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۴۸	۰/۶۶۹	ولنگاری
β t p		۰/۱۵۵ ۲/۲۳ ۰/۰۲۷	-۰/۲۱۸ ۳/۲۱ ۰/۰۰۲	۰/۱۹۶ ۲/۵۴ ۰/۰۱۲	-۰/۳۱۰ ۴/۴۶ ۰/۰۰۱	۳۵/۷۳ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۶۴	۰/۶۸۱	گرایش تفریحی
β t p	۰/۱۸۰ ۲/۷۹ ۰/۰۰۶	۰/۲۰۷ ۲/۹۳ ۰/۰۰۴	-۰/۱۷۶ ۲/۵۸ ۰/۰۱۱	۰/۱۷۱ ۲/۲۴ ۰/۰۲۶	-۰/۲۵۰ ۳/۵۱ ۰/۰۰۱	۳۱/۳۳ ۰/۰۰۰۱	۰/۴۸۹	۰/۶۹۹	گسیختگی

همان‌گونه که مندرجات جدول ۵ نشان می‌دهند، ۵ متغیر از ۱۵ مؤلفه‌ی عملکرد خانواده وزن معنی‌داری در پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی در دانش‌آموزان دختر بر عهده دارند. سطر

آخر جدول ۵ نشان می‌دهد که از بین ۵ متغیر دخیل در پیش‌بینی سرسختی، وزن اختصاصی تربیت استبدادی در تبیین متغیر ملاک بیش‌تر از متغیرهای دیگر است. به عبارت دیگر هر چه نمره‌ی فرد در متغیر تربیت استبدادی بیش‌تر باشد، نمره‌ی سرسختی روان‌شناختی او کم‌تر خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های جدول ۲ شواهد لازم دال بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی و مؤلفه‌های تعهد و کنترل را ارائه نموده و نشان می‌دهد که رابطه‌ی عملکرد خانواده با شکل‌گیری و رشد این ویژگی شخصیتی معنی‌دار می‌باشد. این یافته‌ها با بیان کوباسا و همکاران (۱۹۸۲) که تعامل مثبت با والدین و اطرافیان را زمینه‌ساز شکل‌گیری سرسختی می‌دانند، مطابقت دارد.

نکته‌ی قابل‌بحث در این یافته‌ها رابطه‌ی ضعیف و منفی عملکرد خانواده با مؤلفه‌ی مبارزه‌جویی می‌باشد. این یافته با پیشنهاد هال، ون ترورن و ویرنلی (۱۹۸۷) مبنی بر حذف ماده پرسش‌های مربوط به مبارزه‌جویی از مقیاس‌های سرسختی همسویی دارد و پیشنهاد آنها را تأیید می‌کند، چرا که رابطه‌ی بیش‌تر ابعاد عملکرد خانواده با مبارزه‌جویی، عکس رابطه‌ی آنها با مؤلفه‌های تعهد و کنترل بوده است. این نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها ماده‌های مرتبط با مبارزه‌جویی را در نقطه‌ی مقابل ماده‌های مرتبط با دو مؤلفه‌ی دیگر ادراک کرده‌اند. اگر چه کوباسا (۱۹۷۹) در مفهوم‌سازی سرسختی آن را یک سازه‌ی مرکب از سه مؤلفه بیان کرده است و معتقد است که با حذف ماده‌های مبارزه‌جویی اعتبار سازه‌ی این مقیاس از بین می‌رود، اما یافته‌های این پژوهش پیشنهاد هال و همکاران (۱۹۸۷) را تقویت می‌کند و بر آن صحنه می‌گذارد. این یافته با نتیجه‌ی پژوهش شریفی (۱۳۸۲) نیز همسو می‌باشد.

همچنین یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که واریانس مشترک بین عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی در گروه دختران بیش از گروه پسران می‌باشد. این موضوع با دیدگاه بینگهام و استریکر (۱۹۹۵) دال بر این است که سرسختی دختران بیش‌تر از عامل‌های درون خانواده سرچشمه می‌گیرد اما برای پسران عامل‌های اجتماعی و آموزشی را نیز شامل می‌شود، قابل تبیین است.

بر اساس یافته‌های جدول ۳، ابعادی از عملکرد خانواده که ضرایب رگرسیون آنها برای پیش‌بینی سرسختی معنی‌دار بوده است، عبارتند از: سبک استبدادی، آرمان‌گرایی، سازمان‌دهی، گسیختگی، ابراز وجود، گرایش‌های تفریحی فعال، بهم‌تنیدگی و آزادمنشی. وزن‌های معنی‌دار این ابعاد برای پیش‌بینی سرسختی بیانگر آن است که سبک خانواده‌ی آزادمنش زمینه‌ی مطلوب برای رشد سرسختی فراهم می‌آورد. این روش عملکرد خانواده با محبت و مراقبت سازنده و با تقویت احساس ارزشمندی و قدرت تصمیم‌گیری اعضای خود، آنها را برای مقابله با فشارهای زندگی آماده می‌کند. همچنین، معنی‌دار بودن ضرایب سازمان‌دهی، سبک خانواده‌ی قانونمند، انعطاف‌پذیری و فعالیت‌های تفریحی فعال خانواده برای پیش‌بینی سرسختی، نشان دهنده‌ی آن است که تعاملات پویا با بیرون از محیط خانواده، با ساختار بودن و داشتن مرزهای روشن و منعطف و تفریح‌های فعال، عملکردهای مثبت و با اهمیتی برای شکل‌گیری و رشد سرسختی می‌باشند. جامعه‌پذیری بیانگر تعامل‌های اجتماعی و ارتباط خانواده با محیط بیرون و کسب رضایت از این ارتباط می‌باشد. جامعه‌پذیری با گسترش دامنه‌ی شناخت و تجارب فرد در ایجاد احساس کنترل مؤثر بوده و فرد را برای مقابله با فشارهای زندگی آماده کرده، احساس درآمیختگی با اطرافیان را دراعضاء تقویت می‌کند و زمینه‌ساز به کارگیری نگرش‌ها و دیدگاه‌های دیگران می‌شود. این‌ها به نوبه‌ی خود می‌توانند اعتماد و احساس کنترل را در فرد تقویت نمایند. اعضای چنین خانواده‌هایی با توجه به تجارب رضایت‌بخش خود از تعامل با دیگران و محیط اطراف (بیرون از خانواده) احساس تهدید و بیگانگی ندارند و در مواقع فشار با درخواست سنجیده و به‌هنگام، از کمک دیگران بهره‌مند می‌شوند و در نتیجه بحران‌ها را با آسیب کم‌تر و مقاومت بیش‌تر سپری می‌کنند. زیرا حمایت اجتماعی در کنار سایر منابع مقاومت، فرد را در مقابله با فشارهای زندگی یاری می‌کند (کوباسا، ۱۹۸۲). بنابراین، ارتباط این بُعد از عملکرد خانواده با سرسختی و مؤلفه‌های تعهد و کنترل منطقی و مورد قبول می‌باشد.

با ساختار بودن و وجود مرزهای روشن و منعطف در خانواده باعث می‌شود که فرد دامنه‌ی اختیارات و وظایف خود را بشناسد، آزادانه از حقوق خود دفاع کند، به راحتی به زیر منظومه‌های دیگر خانواده دسترسی داشته باشد و با آنها به بیان احساسات بپردازد. این فرد در مواقع لازم به دیگر اعضای خانواده دسترسی دارد و می‌تواند از کمک و همدلی و حمایت آنها

بهره‌مند شود. شناخت بیش‌تر فرد از اختیارات و وظایف خود، او را در پیش‌بینی رویدادها یاری می‌کند (احمدی، ۱۳۷۱). و به موازات افزایش شناخت و قدرت پیش‌بینی، احساس درآمیختگی و کنترل او بر رویدادهای زندگی افزایش می‌یابد و فرد را برای مقابله با فشارهای زندگی یاری می‌کنند.

این یافته‌ها با بخشی از نتیجه‌های پژوهش امریکنر و همکاران (۱۹۹۴) دال بر اهمیت انسجام و همبستگی اعضای خانواده، گرایش‌های فکری - فرهنگی و نظم و سازمان‌دهی خانواده در رشد سرسختی هماهنگ می‌باشند. همچنین با توصیه‌ی استیوارت و همکاران (۱۹۹۷) مبنی بر ضرورت با ساختار بودن محیط برای رشد سرسختی، همسو است.

رابطه‌ی مثبت گرایش‌های تفریحی - فعال (که اشاره به وسعت علاقه‌ی اعضای به فعالیت‌های تفریحی است) با سرسختی، تعهد و کنترل نشان دهنده‌ی اهمیت این گرایش‌ها در رشد ویژگی‌های مثبت شخصیتی است.

آرامانی دانستن خانواده که بیانگر مطلوب بودن آن فرد و مباحثات او به وضع موجود خانواده است، باعث ایجاد آرامش و اطمینان می‌شود. به علاوه، مطلوب بودن وضعیت کنونی خانواده از صرف انرژی برای تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب جلوگیری می‌کند و این انرژی‌ها می‌توانند در هنگام بحران و فشارهای زندگی مورد استفاده قرار گرفته و فرد را در مقابله با آنها از توان و کارایی لازم برخوردار نمایند. بنابراین، ارتباط مثبت این بُعد از عملکرد خانواده با تعهد و کنترل منطقی و معقول می‌نماید. نظم و سازمان‌دهی در خانواده از شاخص‌هایی است که باعث می‌شود اعضای خانواده وظایف و اختیارات و نقش خود را بشناسند و حدود انتظارات خانواده را درک نمایند و در نتیجه رویدادهای زندگی خانوادگی را پیش‌بینی نمایند (نظم و سازمان‌دهی و مشخص بودن حدود اختیارات و انتظارات، امکان پیش‌بینی رویدادها را افزایش می‌دهد). از آنجا که قابلیت پیش‌بینی رویدادها کنترل‌پذیری آنها را افزایش می‌دهد و باعث ایجاد اعتماد در افراد می‌شود (احمدی، ۱۳۷۱)، افرادی که در خانواده‌های منظم و سازمان یافته رشد می‌کنند، دنیا را قابل اعتماد دانسته و با آن آمیخته می‌شوند و نیز احساس کنترل در وجود آنها شکل می‌گیرد. در تبیین رابطه‌ی مثبت بین سازمان‌دهی با تعهد، علاوه بر مطالب ذکر شده، گفته‌ی استیوارت و همکاران (۱۹۹۷) دال بر ضرورت با ساختار بودن محیط و از جمله خانواده برای رشد سرسختی و تعهد تبیین کننده

می‌باشد. این یافته تأیید کننده‌ی نظر استیوارت بوده و با آن همسو است. ارتباط مثبت بین سبک خانوادگی آزادمنش که بیانگر آزادی معقول، احترام متقابل و وجود قوانین و مرزهای روشن و انعطاف‌پذیر (منعطف) در خانواده، شرکت فعال تمام اعضاء در تصمیم‌گیری‌ها و وجود محبت و در عین حال مراقبت سازنده از طرف والدین برای فرزندان می‌باشد، با تعهد و کنترل منطقی و مورد انتظار است. این سبک عملکرد خانواده باعث افزایش قدرت اظهار نظر، تصمیم‌گیری، احساس مسئولیت و احساس کنترل در اعضاء می‌شود. این توانایی‌ها فرد را در تعامل مثبت و سازنده با محیط قرار داده و ایجاد کننده‌ی احساس رضایت و درآمیختگی بیش‌تر فرد با محیط هستند. وجود مرزهای روشن و منعطف و با ساختار بودن این خانواده‌ها زمینه‌ی لازم را برای رشد احساس تعهد و کنترل ایجاد می‌کنند. این یافته با تبیین استیوارت و همکاران (۱۹۹۷) هماهنگ بوده و تأیید کننده‌ی نظر آنها می‌باشد.

برای پیش‌بینی نمره‌ی مؤلفه‌ی مبارزه‌جویی نسبت به دو مؤلفه‌ی تعهد و کنترل، ابعاد بسیار محدودی دارای ضرایب معنی‌دار بوده و در معادله‌ی رگرسیون ظاهر شده‌اند و واریانس مشترک آنها نیز ناچیز بوده. به عبارتی، پانزده بُعد عملکرد خانواده که در این پژوهش به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله گردیده، نتوانستند پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای احساس مبارزه‌جویی افراد در مقابله با فشارهای زندگی باشند. این وضعیت با پیشنهاد هال و همکاران (۱۹۸۷) دال بر حذف مؤلفه‌ی مبارزه‌جویی از مقیاس‌های سرسختی انطباق دارد و نیز با نتیجه‌ی پژوهش شریفی (۱۳۸۲) همسو می‌باشد.

یافته‌های جدول ۷ بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار بین سرسختی دختران و پسران است. اگر چه نتیجه‌ی برخی پژوهش‌ها حاکی از عدم تفاوت بین سرسختی مردان و زنان می‌باشد (فیضی، ۱۳۸۰؛ شریفی، ۱۳۸۲؛ رودوالد و زون^۱، ۱۹۸۹؛ شپرد^۲ و کاشانی، ۱۹۹۱)، اما نتیجه‌ی پژوهش‌های دیگر حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار بین سرسختی مردان و زنان است (اشماید و لویر^۳، ۱۹۸۶؛ وایب و ویلیامز^۴، ۱۹۹۲؛ ویسی و همکاران، ۱۳۷۹). نتیجه‌ی پژوهش حاضر با نتیجه‌ی پژوهش‌های گروه اخیر همسو می‌باشد.

-
- 1- Rhodwalt & Zone
 - 2- Shepperd
 - 3- Schmied & Lawler
 - 4- Wiebe & Williams

این تناقض در مقایسه‌ی سرسختی دو جنس می‌تواند ناشی از عامل‌هایی مثل تفاوت در ابزارهای سنجش، متفاوت بودن وضعیت آزمودنی‌ها در پژوهش‌های گوناگون از لحاظ سن، وضعیت فرهنگی، موقعیت شغلی - اجتماعی و ... باشد و یا شاید تحولات فرهنگی در فاصله‌ی زمانی این پژوهش‌ها، عامل ایجاد این گزارش‌های ناهماهنگ باشند. به هر حال، بر خلاف نتیجه‌ی برخی پژوهش‌ها، در این پژوهش تفاوت بین دو جنس در میزان سرسختی معنی‌دار بوده است.

محدودیت‌های پژوهش

- ۱- با توجه به آن که زمان شکل‌گیری سرسختی در حدود سن هشت سالگی فرض شده (بینگهام و استریکر، ۱۹۹۵)، یکی از محدودیت‌های این پژوهش آن است که رفتار والدین و عملکرد خانواده در طول رشد فرزندان از هشت تا پانزده سالگی پایا فرض شده است.
- ۲- بین عملکرد خانواده و رفتارهای والدین با شکل‌گیری ویژگی‌های فرزندان رابطه‌ی یک‌سویه و خطی فرض شده است. این فرض از سوی دیدگاه‌های دوسویه و سیستمی مورد انتقاد می‌باشد.
- ۳- به دلیل محدودیت‌های زمانی و اجرایی، عملکرد خانواده در این پژوهش صرفاً از دیدگاه یکی از اعضاء آن مورد سنجش قرار گرفته است.
- ۴- با توجه به آن که در پژوهش‌های انجام شده سرسختی عمدتاً به عنوان متغیر پیش‌بین مورد مطالعه بوده و به عنوان متغیر ملاک کم‌تر به آن پرداخته شده، امکان مقایسه‌ی آن با پژوهش‌های دیگر محدود بود.

پیشنهادات

- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مشابه، عملکرد خانواده از دیدگاه دو یا بیش‌تر از دو نفر از اعضاء خانواده مورد سنجش قرار گرفته و جمع‌بندی آنها به عنوان نمره‌ی عملکرد خانواده برآورد شود.
- در صورت امکان روابط بین عملکرد خانواده با ویژگی‌های فرزندان، با نگرش دوسویه یا سیستمی مورد پژوهش قرار بگیرد.

- با توجه به اهمیت ویژگی‌هایی مانند تعهد، احساس کنترل و مبارزه‌جویی، شایسته است ابزارهایی معتبر و پایا برای ارزیابی هر کدام تهیه شده و رابطه‌ی بین عامل‌های مختلف خانوادگی و آموزشگاهی با هر یک از این ویژگی‌ها به گونه‌ی گسترده‌ی مورد پژوهش و شناسایی قرار بگیرد.

- پیشنهاد می‌شود سازمان‌هایی همانند آموزش و پرورش، انجمن اولیاء و مربیان و صدا و سیما که با خانواده‌ها در ارتباط هستند و نیز روان‌شناسان و مشاورانی که در حوزه‌ی اصلاح تعاملات خانوادگی فعالیت می‌کنند، ویژگی‌های خانوادگی مرتبط با سرسختی را به خانواده‌ها آموزش داده و بر اهمیت آنها برای پرورش فرزندان مقاوم تأکید نمایند.

- از آنجا که پانزده بُعد عملکرد خانواده نتوانسته‌اند پیش‌بینی کننده‌های خوبی برای احساس مبارزه‌جویی افراد در مقابله با فشارهای زندگی باشند، پیشنهاد می‌شود شناسایی پیشایندهای این ویژگی مورد اهتمام پژوهشگران قرار بگیرد.

منابع

فارسی

- احمدی، سیداحمد (۱۳۷۱). مقدمه‌یی بر مشاوره و روان‌درمانی. اصفهان. دانشگاه اصفهان.
- احمدی، علی‌اصغر (۱۳۸۲). روان‌شناسی خانواده و نقش تربیتی آن. پیوند. شماره ۲۹۱ و ۲۹۶.
- اسلامی، عبدالله (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی ساختار تعاملات خانواده (عملکرد خانواده) با سبک‌های مقابله با فشارهای روانی و تفاوت‌های جنسی در دانش‌آموزان دوره‌ی پیش‌دانشگاهی شهرستان کاشان. پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- شکرکن، حسین (۱۳۷۴). منابع مقاومت در برابر فشار روانی. مجموعه مقالات اولین سمینار استرس و بیماری‌های روانی.

شریفی، خلیل، عریضی، حمیدرضا و نامداری، کورش (۱۳۸۴). بررسی رابطه‌ی بین عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان. دو ماهنامه‌ی علمی پژوهشی دانش‌سور. سال دوازدهم، شماره ۱۰، صص ۹۴-۸۵.

شریفی، خلیل (۱۳۸۲). بررسی رابطه‌ی بین عملکرد خانواده با سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۱-۸۲. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

فیضی، عبدالله (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی بین سرسختی و روش‌های مقابله با استرس. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

قربانی، نیما و دژکام، محمود (۱۳۷۳). ارتباط سخت‌رویی، الگوی رفتاری تیپ A و رفتار مستعد بیماری‌های کرونری. مجله دانشکده پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال ۱۸، شماره ۳.

قربانی، نیما (۱۳۷۴). سخت‌رویی: ساختار وجودی شخصیت. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی. دوره ۳، شماره ۳ و ۴.

کورمن. آ. ک. (۱۹۷۷). روان‌شناسی صنعتی و سازمانی. ترجمه شکرکن، حسین (۱۳۷۰). انتشارات رشد. تهران.

ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتاکارول و کانجر، جان‌جین (۱۹۷۵). رشد و شخصیت کودک. ترجمه یاسایی، مهشید (۱۳۷۳). نشر مرکز. تهران.

مهرابی‌زاده، مهناز، نجاریان، بهمن و بحرینی، شهناز (۱۳۷۹). رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری با سلامت روانی و هماهنگی مؤلفه‌های خودپنداشت. مجله‌ی روان‌شناسی ۱۳، سال چهارم. شماره ۱. صص ۹۷-۸۳.

نجمی، بدرالدین (۱۳۷۵). بررسی ارتباط بین عملکرد خانواده و محبوبیت اجتماعی نوجوانان در گروه همسال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

ویسی، مختار، عاطف وحید، محمدکاظم و رضایی، منصور (۱۳۷۹). تأثیر استرس شغلی بر خشنودی شغلی و سلامت روان: اثر تعدیل‌کننده‌ی سرسختی و حمایت اجتماعی.

اندیشه و رفتار. سال ششم، شماره ۲ و ۳. صص: ۷۸-۷.

لاتین

- Amerikaner, M., Monks, G., Wolfe, P., & Thomas, S. (1994). Family interaction and individual psychological health. *Journal of counseling and development*, 72 (6), 614-623.
- Bloom, B. L. (1985). A factor analysis of self report measures of family functioning. *Family Process*, 24 (2), 225-239.
- Bingham, S. & Stryker, S. (1995). *Things will be different for my daughter: A practical guide to building her self – esteem and self-reliance*. New york: Penguin. Books.
- Carlson, J., Sperry, L., & Lewis, J. A. (1997). *Family therapy ensuring treatment efficacy*. Brook/ Cole publishing company.
- Fallon, B., Frydenberg, E., & boldero, J. (1993). *Perception of family climate and adolescence coping*. Paper Presented at the 28th conference of the Australian psychological society. Gold coast.
- Forthun, L. (2001). *Structural family therapy*. Internet. ds.psu/ academics/structuralnotes. htm.
- Glic, I. D & et al. (1987). *Marital and Family therapy*. Third edition, London, NW. 70X.
- Goldenberg, H., & Godenberg, I. (1998). *Counseling today family*. (3 Ed). Brook & Cole Publishin Co.
- Hull, J. G., Van Treuren, R. R., & Virnelli, S. (1987). Hardiness and health: A critique and alternative approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 518-530.
- Kobasa, S. (1979). Strssful life events, Personality, and health: An inquiry into hardiness. *Journal of Personality and social psychology*, 37, 1-11.
- Kobasa, S. (1982). *The hardy personality: Toward a social psychology of stress and health*. In sander, G. S. Social psychology of health and illness. Hillsdale, NJ: Erbium.
- Kobasa, S., & Maddi, S. (1982). Hardinss and Health: A Prospective Study. *Journal of Personality and social Psychology*, 42 (1), 168-177.
- Kobasa, S. O., Maddi, S. R., & Puccetti, M. C. (1982). Personality and exercise as buffers in the stress-illnes relationship. *Journal of Behavioral Medicine*, 5, 391-404.
- Lee, H. J. (1983). Analysis of a concept: Hardiness. *Oncol Nurs Forum*, 10, 32~35.

- Maddi, S. R., & Koshaba, D. M. (1994). Hardiness and mental health. *Journal of Personality Assessment*, 63, (2), 265-274.
- Olson, D. H., Sprenkle, D. H., & Russell, C. S. (1979). Circumplex model of marital and family systems. *Family Process*, 8 (1), 3-27.
- Rhodwalt, F., & Zone, S. (1989). On the relationship of hardiness to the type A behavior pattern. *Journal of Research in Personality*, 18, 212-223.
- Schmied, L. A. & Lawler, K. A. (1986). Hardiness, type A behavior and stress-illness relation in working women. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1218-1223.
- Shepperd, J. A. & Kashani, J. H. (1991). The relationship of hardiness, gender, and stress to health outcomes in adolescents. *Journal of Personality*, 59, 747-768.
- Stewart, M., Reid, G., & Mangham, C. (1997). Fostering children's resilience. *Journal of Pediatric Nursing*, 12, 21-31.
- Werner, E. E. (1997). Vulnerable but invincible: high risk children from adulthood. *Acta Paediatrica Supplement*, 422, 103-105.
- Wiebe, D. J., & Williams, P.G. (1992). Hardiness and health. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 11, 238-262.
- Wright, M. O., & Masten, A. S. (1997). Vulnerability and resilience in young children. In J. D. Noshpita & S. Greenspan. *Handbook of Child and Adolescent Psychiatry: 1 Infants and preschoolers*. New York: Wiley.